

# یک طرح جامع و ۱۲ میلیون تهرانی

نوشته: دکتر برنارد هورکاد

استاد پژوهش، CNRS، پاریس، ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۶

hourcade@ivry.cnrs.fr

ترجمه: مینا میربها

دکتر برنارد هورکاد (۱۹۴۶)، جغرافی دان مقیم پاریس، رساله دکتری خود را با موضوع توسعه روستائی در نواحی البرز مرکزی در سال ۱۹۷۵ در دانشگاه سوربن به اتمام رساند. او از سال ۱۹۷۸ به مدت ۵ سال، و در خلال روزهای انقلاب و جنگ، مدیریت انجمن ایران شناسی فرانسه را به عهده داشت و در ایران می‌زیست و از این رهگذر تجربه خود را در زمینه‌های اجتماعی - سیاسی ایران و بویژه تهران متمرکز کرد. دکتر هورکاد در سال ۱۹۸۳ به مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) پیوست و گروه پژوهشی "جهان ایرانی" (Monde Iranien) را با هدف پژوهش درباره جامعه و فرهنگ ایرانی در سال ۱۹۹۵ بنیاد نهاد. او ده‌ها مقاله درباره جغرافیا و جامعه تهران و ایران، چندین کتاب درباره تهران و هم چنین اطلس اقتصادی اجتماعی ایران (۱۹۹۸) را تألیف کرده است. آخرین کار مهم او "اطلس کلانشهر تهران" است که در تألیف آن مشارکت داشته است. این اطلس با مشارکت مرکز اطلاعات جغرافیائی شهر تهران، دانشگاه تهران و مؤسسه (CNRS) تهیه و به چاپ رسیده است.

مقاله ای را که در پی می‌آید او به زبان انگلیسی نوشته که توسط شهرنگار ترجمه شده است.



## من تهران را دوست می‌دارم، شما چطور؟

به نظر من، یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به تهران و مدیریت آن در سطح کلانشهر، درک این واقعیت است که اغلب ساکنین تهران به شهر خود علاقمند نیستند. هنگامی که مردم از ترافیک، جمعیت زیاد، آلودگی هوا، شلوغی خیابانها یا وضعیت مسکن در تهران شکایت می‌کنند، به نظر کاملاً نا امید می‌آیند، و در خصوص اینگونه مشکلاتی که غالب شهرهای جهان با آنها مواجهند، خود شهر را مقصر می‌دانند. مردم تهران، مثل مردم اصفهان، تبریز، شیراز یا شهریزد، احساسات و عواطف شخصی نسبت به زادگاه خود ندارند. چه کسی از اینکه تهرانی است به خود می‌بالد؟ البته بعضی‌ها به آن می‌بالند و قدر این شهر پر جنب و جوش و فعال را می‌دانند.

آیا ممکن است یک خارجی که شانس اقامتی طولانی در تهران را داشته به این شهر علاقمند بشود؟ تهران، این دخت البرز، از یکی از اعجاب انگیزترین و درخشان‌ترین چشم اندازهایی که شهری امکان داشتن آنرا دارد برخوردار است. پایتخت ایران همچون سالن تئاتری است که دامنه توپال صحنه آنست، و در طول روز با پنهان شدن ها، و سپس جلوه‌گری‌های خود در رنگ‌های سفید، آبی، و قهوه‌ای تغییر چهره می‌دهد، و هنگامی که به آن نزدیکتر می‌شوید بیشتر تحت تأثیر آن قرار می‌گیرید. هیچ شهری در جهان اینهمه جویبار ندارد. جویبارهایی که آنها را از آن

پس از سالها تلاش و به انجام رسانیدن کاری که به کوشش گروه هائی متعدد از معماران، طراحان شهری، مهندسين، متخصصین و سیاستگذاران صورت گرفته، اکنون طرح جامع شهر تهران آماده بهره برداری شده است. در این طرح بخش‌های عمده سرمایه گذاری، مهم‌ترین تجهیزات مورد نیاز عموم، و شبکه‌های سنگین برای برنامه ریزی ارائه شده که چارچوب آتی زندگانی ۱۲ میلیون ساکنین کلانشهر تهران را تعیین می‌کند، و این امر واقعه‌ای بزرگ در تاریخ شهر تهران است.

من شخصا این افتخار را داشته‌ام که ناظر تهیه اولین پیش نویس طرح مزبور باشم و درباره آن با برنامه ریزان ایرانی مسئول طرح بحث و گفتگو کنم، ولی در اینجا نمی‌توانم مباحث فنی مربوط به انتخاب پیشنهاداتی که انجام داده‌اند را مطرح کنم، زیرا نسخه نهائی طرح را ندیده و آنرا مطالعه نکرده‌ام. به هر حال می‌خواهم با استفاده از این فرصت تجربیات کسب کرده خود از مطالعاتم در خصوص جامعه شهر تهران و حومه‌های آن، از حدود ۳۵ سال پیش تاکنون را، به عنوان یک جغرافی دان، و یک فرانسوی که در پاریس زندگی می‌کند، بطور روزمره با سیاستگذاری‌های شهرداری پاریس مواجه بوده، و در مباحث برنامه ریزی تفصیلی شهری ..... (Plan Local d'Urbanisme) مشارکت داشته است، در میان بگذارم.

تهران، این دخت البرز، از یکی از اعجاب انگیزترین و درخشانترین چشم اندازهایی که شهری امکان داشتن آنرا دارد برخوردار است. پایتخت ایران همچون سالن تئاتری است که دامنه توچال صحنه آنست، و درطول روز با پنهان شدن ها، و سپس جلوه گری های خود در رنگ های سفید، آبی، و قهوه ای تغییر چهره می دهد، و هنگامی که به آن نزدیکتر می شوید بیشتر تحت تأثیر آن قرار می گیرید.



ساختمان ها و نهادهای مهم احاطه کرده اند. اما هیچ کس از این میدان عبور نمی کند و همیشه خالی از رهگذران است و مردم از دور و بر آن، از زیر سایه درختان و کوچه های باریک پشت ساختمان ها رفت و آمد می کنند. واقعیت آنست که ایجاد یک چنین میدانی با فرهنگ و نیازهای مردم این شهر همخوانی نداشته، با هوای داغ و خورشید همیشه تابان شهر نیز جور در نمی آمد. در تهران نیز، منطقه پرتراکم جنوب شهر، علیرغم مغایرت آن با مقررات طرح جامع سال ۱۹۶۶ گسترش یافت.

درپاریس، درکوششی برای پرکردن شکافی که یک سوی آن تصمیم گیران، شورای شهر، و همه کارکنان فنی و برنامه ریزان شهری قرار گرفته، و درسوی دیگر ساکنین پاریس، انجمن ها، شرکت های خصوصی یا ادارات دولتی قراردادند، فرصتی برای بحث و تبادل نظر پیرامون پروژه های شهری، پیش از آنکه مورد

بالاهای کوه ها به دشت های پائین سرازیر کرده، به میلیون ها درخت جان بخشیده، و باغ ها، محله ها و نواحی مختلف را به هم می پیوندد. با این همه بسیاری از مردم این جویبارها را دوست ندارند، روی آنها را با بتون می پوشانند، و زباله های خود را به داخل آنها می ریزند.

### عدم مشارکت مردم، ممکن است موجب شکست یک طرح خوب شهری بشود

در چنین شرایطی چگونه می توان یک طرح جامع را اجرا نمود؟ بی گمان مردم موجب فروپاشی آن خواهند شد. هیچ طرح جامعی، و هیچ سیاست شهری، مگر آنکه ساکنان شهر در به ثمر رسانیدن آن مشارکت و همکاری داشته و شهرا از آن خود بدانند نمی تواند از کارائی لازم، به نحوی که به اهداف مورد نظر دست یابد برخوردار شود. شکی نیست که نوع سیاست گذاری های کشور و شهرداری بسیار مهم است، ولی فرهنگ جامعه، جو عمومی، و رفتار روزمره ساکنان می تواند بهترین طرح های برنامه ریزی شده را به فروپاشی کشاند. شهر "شاندیگار"، پایتخت ایالت پنجاب که توسط "لوکوروبوزیه" ساخته شده، دارای میدانی وسیع و تاریخی به عنوان مرکز سیاسی اجتماعی شهر است که اطراف آنرا نیز

به نظر من، یکی از مهم ترین مسائل مربوط به تهران و مدیریت آن در سطح کلانشهر، درک این واقعیت است که اغلب ساکنین تهران به شهر خود علاقمند نیستند. هنگامی که مردم از ترافیک، جمعیت زیاد، آلودگی هوا، شلوغی خیابانها یا وضعیت مسکن در تهران شکایت می کنند، به نظر کاملاً نا امید می آیند

مسئله، میزان جمعیت نیست، بلکه محل قرارگرفتن آن، خصیصه‌های اجتماعی-اقتصادی، و نحوه تکامل جمعیت است که اهمیت دارد. درایران موضوع جمعیت، نه چندان با مسئله کمیت، بلکه بیشتر با کیفیت آن ارتباط دارد.

تصویب شورای شهر واقع شوند داده می‌شود تا درخصوص چگونگی اجرای کارآمد و موفقیت آمیز طرح هاگفتگو نمایند. این سیستم کمال طلبانه، گرچه با همه نشست هائی که صورت می‌گیرد، مقالاتی که منتشر می‌شود، نمایشگاه‌های محلی و غیره که برپا می‌شوند، هنوزبا آنچه باید باشد فاصله دارد، ولی مردم را

شامل حومه‌ها نیز هست داشته باشد.

این نکته حائز اهمیت فراوان است: طرح جامع تهران به شهرداری تهران مربوط می‌شود و ۳۰ درصد جمعیتی را که درخارج ازتهران زندگی می‌کنند مستقیماً تحت پوشش قرار نمی‌دهد. البته طرح جامع کلی استان تهران تهیه شده، ولی طرحی یکپارچه برای کل کلانشهر تهران موجود نیست که متأسفانه این عدم همکاری در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان عمومیت دارد!

در رابطه با میزان جمعیت، گرچه جمعیت تهران تحت کنترل باقی مانده، ولی برای شهرهای بزرگی مثل کرج، اسلامشهر، نسیم شهر، ورامین یا قرچک، که همه جمعیت آنها از تسهیلات پایتخت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

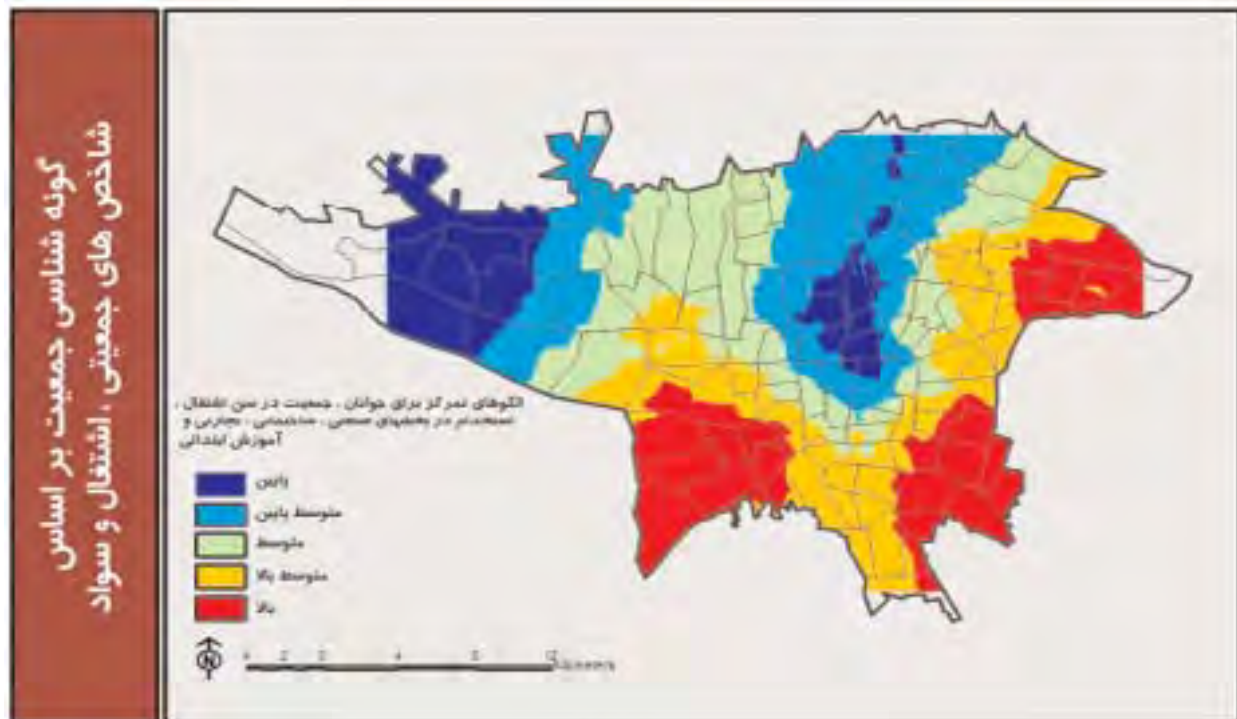
به شهری که در آن زندگی می‌کنند علاقمندتر کرده و نتیجتاً اجرای سیاست‌های شهرداری را تسهیل می‌کند.

استفاده می‌کنند، یا اساساً کاری نشده و یابسیار دیرانجام گرفته است. مسئله، میزان جمعیت نیست، بلکه محل قرارگرفتن آن، خصیصه‌های اجتماعی-اقتصادی، و نحوه تکامل جمعیت است که اهمیت دارد. درایران موضوع جمعیت، نه چندان با مسئله کمیت، بلکه بیشتر با کیفیت آن ارتباط دارد. طرح جامع تهران پیشنهادات روشنی درخصوص نحوه استفاده از

### برنامه ریزی کالبدی و نیازهای اجتماعی

یکی دیگر از موضوعات مهم در طرح جامع، ارتباط بین برنامه ریزی کالبدی و نیازهای واقعی مردم است. یکی از مسائل عمده در همه سیاست گذاری‌های شهری مربوط به تهران مسئله کنترل تراکم جمعیت بوده است. تاریخ نشان داده این امرهچگاه یک مشکل واقعی نبوده است. تهران شهرچندان بزرگی نیست و اندازه آن به نسبت وسعت ایران، کوچکتر از پاریس به نسبت فرانسه است. ایران یک کشوردورافتاده کوچک نیست، و طبیعی است که پایتخت آن کلانشهری باشد که حدوداً ۱۲ میلیون نفر جمعیت که

یکی از مسائل عمده در همه سیاست گذاری‌های شهری مربوط به تهران مسئله کنترل تراکم جمعیت بوده است. تاریخ نشان داده این امرهچگاه یک مشکل واقعی نبوده است. تهران شهرچندان بزرگی نیست و اندازه آن به نسبت وسعت ایران، کوچکتر از پاریس به نسبت فرانسه است.



نقشه شماره یک: موقعیت مکانی جمعیت طبقه پائین اجتماعی - اقتصادی، درشهرتهران

گرفته اند. اکنون بعضی از حومه‌های تهران از نقاطی در مرکز شهرتهران پیشرفته ترند.

این پویائی‌ها می‌باید در اجرای هر طرح جامعی ادغام شود. سیاست گذاری شهری در ابتدای امر، آن دسته از سیاست هائی است که با نیازهای فعلی و نیازهای آتی ساکنان همخوانی داشته باشد. در قرن بیست و یکم، پایتخت ایران، این کلانشهر زیبا، توسط ساکنان آن ساخته خواهد شد و عدم مشارکت آنان طرح جامع را با شکست مواجه خواهد کرد. اگر آنان بیاموزند که چگونه شهر خود، و خانه خود را دوست بدارند به شکوفائی شهر، و به اجرای طرح جامع بلندپروازانه‌ای که اخیراً تدوین شده کمک خواهند کرد. شاید تدوین طرح جامعی که مورد پذیرش ۱۲ میلیون نفر قرار گیرد، از تأمین هزینه‌های اجرای آن مشکل تر باشد، ولی این کاری است که قطعاً می‌باید محقق شود. ■

اراضی و برنامه ریزی کالبدی ارائه نموده که زیر بنا و شالوده‌ای برای هرگونه سیاست گذاری شهری محسوب می‌شود. ولی لازم است خط مشی مشابهی نیز برای جمعیت ساکن در کلانشهر ارائه شود. مسئله آنست که هر دو طرح در تأمین نیازهای مادی و معنوی ساکنان با یکدیگر همخوانی داشته باشند.

### تهرانی‌ها چه کسانی هستند؟

در همه شهرهای بزرگ جهان، تیم فنی عالی رتبه ای متشکل از برنامه ریزان شهری، خصوصیات اجتماعی، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، و آموزشی مردم آن شهر را جهت دستیابی به پاسخ این سؤال که "ساکنان شهر چه کسانی هستند؟! " مورد بررسی قرار می‌دهند. درشهرتهران، که میداند تهرانی‌ها چه کسانی هستند؟ تهیه اطلس کلانشهرتهران اولین قدمی است که در این راستا برداشته شده، ولی راه باقی مانده هنوز بسیار عظیم است. درحقیقت لازم است طرح جامع دیگری نیز برای جمعیتی که در کلانشهرتهران زندگی و کار می‌کنند تدوین شود و این چالشی عمده برای آینده است.

نقشه‌های منتشر شده "در اطلس کلانشهر تهران" نمایانگر جغرافیای اجتماعی که غالباً ناشناخته بود می‌باشد. تقسیم تهران به شمال و جنوب در حال تغییر است. بین تجریش و ایستگاه راه آهن در جنوب تهران، مرکزی در حال تکوین است که گروه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی، در حلقه‌های متعدد آن جای